

## یادداشت

## دگرگونی پارادایم تاریخی ایران: میراث(رهبر شهید)

پیش از آن، هرگاه بخشی از ایران تجزیه یا اشغال می شد، کمتر اعتراضی از دیگر نقاط کشور برمی‌خاست، چراکه احساس تعلق مشترکی وجود نداشت و اگر هم بود، امکان بروز و ظهور نمی‌یافت. در جهانی که تملق و قنارت بیداد می‌کند و بسیاری از رهبری از رهبران جهان برای رکوع در برابر هم‌ژمون آمریکا صفا کشیده‌اند، بیداری ایرانیان، شجاعت فرماندهان و استقلال رهبرانشان که گردن فرود نیاوردند، شایسته تأمل و ثبت در حافظه تاریخ است. همچنین، تجربه جنگ اخیر نشان داد هرچند شکاف کلی فناوری نقش تعیین‌کننده دارد، اما عرصه‌هایی هست که می‌توان با خلاقیت راه‌های طولانی را به‌سرعت پیمود. به علاوه، همین تجربه در کشورهای خلیج فارس نشان داد فناوری بدون نیروی انسانی سازمان‌یافته و خلاق، اراده ملی، بیداری جمعی و ایمان به سرنوشت راه به جایی نمی‌برد. نمی‌دانیم با کدام دستران، با کدام فناوری، این نوتل‌ها در دل کوه‌ها تراشیده و این سدهای سنگدر ساخته شد، تا پیشرفته‌ترین بمبافکن‌های جهان را نیز عاجز کند؛ یا با کدام دانش، صنعت موشکی و پهپادی و نانو و ژنتیک و هسته‌ای به چنان مرتبه‌ای رسید، یا در کدام اتاق‌های عملیات چین واکتس‌هایی به تجاوز طراحی شد. اما می‌فهمیم که «مردانی» پرمایه و بی‌ادعا، با باور به امکان قطعی شهادت، این صحنه‌های بهت‌آور را آفریدند. آنان به‌وضوح می‌دانستند جانشان را باید به معامله بگذارند تا آینده تضمین شود. در حقیقت همه طراحی‌ها، جنگی برای آینده و پیشگیری از تکرار تلخ جولان بیگانه در سرزمین ایران بود؛ رفتند تا ایران بماند، نه آنکه بمانند و ایران نماند. آنان در آمیختن روح عاشورایی با فرهنگ ملی دریافته بودند که پیروزی فقط در ماندن نیست؛ در ماندگارکردن معانی است. امروز به صحنه که می‌نگریم درمی‌یابیم رهبری و فرماندهان ارشد می‌دانستند جنگ حقیقی، پس از فداکردن جانشان آغاز خواهد شد. آنان به سربازان این سرزمین چیزی موخته بودند که ضرورانه‌ترین راهبرد خصم، برای به زانو درآوردن کشور، یعنی هدف قراردادن رأس نظام تصمیم‌گیری برخلاف همه مقررات بین‌المللی و جنگ‌های مدرن را بی‌اثر می‌ساخت و آن چیزی جز درونی‌شدن صیانت از میهن و جایگزینی «مأموریت‌محوری» به جای «فرمان‌محوری» نبود. «جنگیدن تا دستور برسد»، نه اینکه «منتظر دستور بمانند تا بچنگند»؛ جنگی غیرمتمرکز با راهبردی متمرکز. این فرهنگ مقدمه‌ای تمدن‌ساز است. بی‌تردید در صف مقدم معماری این الگو «رهبر شهید» قرار داشت. اینکه بقای یک دولت و یک ملت به افراد گره نخورده و واجد هویت باشد، و فشارهای سهمگین بیرونی نتواند اراده جمعی را از میان ببرد یا موجب فروپاشی روانی جامعه یا ساختار دولت شود، خود نشانه‌ای از بلوغ نهدی و برخورداری از مؤلفه‌های پویایی و پایایی و حاکی از یک معماری پیچیده و ارجمند است. این‌ویر افتخار خلاقیت در جنگ و شخصیت ملی فرماندهان، افزون بر ریشه در ارزش‌های بنیادی ملی و دینی، مرهون رویکرد راهبردی، تدبیر، دوراندیشی و شجاعت گفت‌مانی و فردی «رهبر شهید» بوده است. ممکن است در عرصه‌هایی دیدگاه‌های دیگری وجود داشته باشد، اما باید فارغ از هر حب و بغض، دکترین ایشان در صیانت از استقلال ملی و استوارساختن تاب‌آوری ایران و همچنین ازبین‌بردن «ذهنیت شکست و تسلیم» و برابرافسانه «فقط غرب، در این «ویاوری قرن» را به رسمیت شناخت، اهمیت این رخداد صرفاً در مقاومت نظامی یا تاب‌آوری سیاسی نیست، بلکه در دگرگون‌ساختن یک پارادایم تاریخی و ذهنی در ۱۸۰ سال حاکمیت قاجار تا پایان پهلوی است؛ تصور اینکه غرب «قادر متعال» است و در برابر قدرت‌های مسلط جهانی راهی جز تسلیم وجود ندارد. به یاد آوریم، عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمانچای و جدایی گرجستان و نخجوان، ایران و بخش‌های شمالی آذربایجان، هرات و سیستان واقعیت دارد. به یادآوریم شرح تلخ آرزوهای و بحرن، اشغال ایران و کابینولاسیون و روزگاری را که بیگانه برای شاهان این سرزمین تصمیم گرفت، نه مربوط به عصر حجر که مربوط به قرن بیستم بود. به یاد آوریم ترمیم آب‌انشارا اعلام کرد بنا داشتن تکه تکه هرمز تا تغییر داده و بر آن مسلط شوند، جزایر ایران را اشغال کنند، نفت این سرزمین را ببرند، جولانی‌ها را بر ایران مسلط کنند و به تحلیل نگارنده «ایران شمالی» و «ایران جنوبی» و «کردستان» را تأسیس کنند و فروپاشی ملی ایران را جشن بگیرند و هنوز هم از این نقشه دست نکشیده‌اند. در صبحگاه دهم ماه مبارک رمضان و در تجاوز بیگانه به کیان میهن، معمار خودکامی نظامی و تاب‌آوری سیاسی ایران و مفکر و استراتژیست، سینه در سینه امتیختی قدرت‌های جهان را می‌کشید و جانان را مباحلمه ایران و ایمان خود ساخت. در این‌سبب رحمت کند، از مهم‌ترین میراث یک رهبر آن است که بقای کشور به بقای او وابسته نباشد، اما گفتمان و تدابیرش در پایداری کشور نقش آفرین باشد. شاید باید سال‌ها از این واقعه فاصله گرفت تا بتوان دریافت چگونه ممکن است رهبری، اعضای خانواده او و فرماندهان بلندپایه هدف ترور قرار گیرند، خیمه آنان فرو ریخته و هزاران نقطه از کشور بمباران شود، اما کشور، حاکمیت و ملت یابرجا بمانند و ساختارهای آن استمرار یابد و ایران بدون «ذهنیت شکست» و بدون اتکا به چتر امنیتی قدرت‌های بزرگ، در مرکز یکی از پیچیده‌ترین معادلات جهانی نقش آفرینی کند. هنگامی که مناقشات سیاسی امروز فرونشیند، درک روشن‌تری از اهمیت این رخداد تاریخی، یعنی تغییر پارادایم تاریخی ایران پس از نادرشاه و شکستن چرخه شکست در برابر ابرقدرت‌ها که تا پایان پهلوی استمرار یافته بود، حاصل خواهد شد و تأثیر آن به همراه گسترش عمق استراتژیک ایران نه‌تنها بر آینده ایران، بلکه بر افاق منطقه و حتی شکل‌گیری جهان چندضلعی حاصل خواهد شد. امروز هنوز غبار منازعات جاری، مجال شناخت واقعیت را محدود کرده است. اینک که در آغاز فصلی جدید برای ایران قرار داریم، امید دارم این رخداد عظیم تشسیع که (برگزازی آن در سرزمین یکپارچه ایران، خود گواه شکست طرح بیگانه برای تجزیه، اشغال و فروپاشی ایران است)، از هر سو به عنوان امری ملی نگریسته شود و از منازعات و صف‌بندی‌ها و حواشی جناحی به دور بماند و از آن سرمایه‌ای برای نیابت میهن، یاس بیگانه، التیام شکاف‌ها و زخم‌های داخلی، تقویت یکپارچگی ملی و ساخت ایرانی قدرتمند در همه ابعاد فراهم آید. می‌دانیم که جنگ به پایان قطعی نرسیده و غفلت‌ها مهلک است. باید فورا کاستی‌ها را ترمیم و به‌شدت مراقب شکاف‌ها و افرطهای خانمان‌سوز بود. ملتی که بار جنگ را تحمل کرده و قد خم نکرده است، نباید زیر فشار معیشت، نابرابری و تبعیض قد خم کند. بدائیم «انصاف»، «عدالت» و «حفظ مردم و کرامت مردم نیز واجب واجبات است». اگر بزرگ‌ترین میراث این رویاویی، بازسازی اعتماد ایرانیان به توان ملی و امکان ایستادگی باشد، خطیرترین وظیفه حاکمان امروز و نسل آینده آن است

که دیگر یابها و ارکان تمدن «ایران جدید و آینده» را بر عقل، عدالت، ایمان، حریت و اراده جمعی ایرانیان استوار سازند و این آغازی برای آزمون‌های دشوارتر در عرصه حکمرانی، دولت‌سازی و تمدن‌سازی است. به سهم خود، شهادت قهرمانانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ی، خانواده محترم ایشان و یکپاک شهدای مظلوم و سربلند این جنگ، به‌ویژه کودکان میناب و ملوانان دنا و فرماندهان سرفراز و مردم رشید را تسلیت عرض می‌کنم و عزت، سربلندی و پیشرفت ایران در دوران آینده را از خداوند متعال مسئلت دارم.

دانشنامه‌ی پایان تحصیلات به شماره ۵۸۲۷۶۳/۳

به نام **آرزو پلونی** متولد ۱۵ مرداد ۱۳۶۹

به شماره ملی ۰۴۰۰۱۲۲۲۳۸، ورودی سال ۱۳۸۷ و فارغ التحصیل سال ۱۳۹۱ رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقطع کارشناسی از دانشگاه علامه طباطبائی مفقود گردیده است و از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد. از یابنده تقاضای می‌شود اصل مدرک را به نشانی تهران\_بزرگراه همت\_ دهکده المپیک\_ دانشگاه علامه طباطبائی ارسال فرمایید.

مختلاف متفاوت بوده است.
وقتی سینمای دهه ۶۰ را مرور می‌کنیم، تصویر دیگری از سینما می‌بینم؛ درست زمانی که چهره‌های تازه‌ای مقابل دوربین ظاهر و نسلی از بازیگران به فیلم‌های این دوره با استقبال بسیار زیادی از سمت مخاطب روبه‌رو می‌شدند و اساساً می‌توان گفت بسیاری از بازیگران مطرح سینما از آن دوران یا به حرفه بازیگری گذاشتند. اما این فرازونشیب هر بار به شکل‌های متفاوتی ادامه پیدا کرد تا امروز که با شکل دیگری از حضور چهره‌ها در مدیوم تصویر روبه‌رو هستیم. نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که شرایط سیاسی و اجتماعی دوره‌هایی که در سینمای ایران پشت سر گذاشته‌ایم، بر فعالیت و کشتگری سینماگران تأثیر گذاشته است. مدتی است بسیاری از بازیگران سینمای ایران یا از این‌ عرصه خداحافظی کرده‌اند یا امکان فعالیت ندارند. در نبود بازیگرانی که نقش بسزایی در ترغیب مخاطب برای دیدن آثار سینمایی دارند، سینما سعی دارد با چهره‌های تازه، الگوی جدیدی برای جذب مخاطب ایجاد کند که به هر شکل اتفاق خوبی است؛ چراکه نیاز سینمای ما حضور چهره‌های تازه‌نفس است. اما پرسش اینجاست که اساساً هنوز و در این دوران می‌توان بازیگر را عامل جذب مخاطب دانست و در نبود سرمایه‌های فرهنگی کشورمان، شرایط سینما به چه سمت و سویی حرکت خواهد کرد؟

غلامرضا موسوی، تهیه‌کننده باسابقه سینمای ایران، به پرسش «شرق» این‌گونه پاسخ داد: «اصولاً بازیگران و همه هنرمندان سرشناس رشته‌های مختلف سینما در هر کجای دنیا ازجمله ایران، سرمایه‌های سینما هستند. واقعیت این است که کارگردان‌های سرشناس دنیا از جان فورد و هیچکاک گرفته تا گایولا، نولان، اسکورسزی و… سعی کردند و می‌کنند با بازیگران سرشناس کار کنند. طبیعی است که کارکردن با بازیگران سرشناس دو هدف دارد: ابتدا اینکه این بازیگران ارزش خودشان را در این حرفه نشان داده‌اند؛ مشخص است بازیگران خوبی هستند و خوب کار می‌کنند و می‌توانند نقشی را که نوشته و کارگردانی می‌شود، به‌درستی بازی کنند. دومین موضوع، باعث جذب مخاطب است».

او ادامه داد: «اینکه بازیگران جدید یا به این عرصه می‌گذارند هم طبیعت سینماست. چهره‌های جدید در همه رشته‌ها وارد می‌شوند و باید وارد شوند و دنیای آینده برای جوان‌هاست و می‌توانند در مواردی از مشورت بزرگان استفاده کنند. بنابراین ما همچنان که بازیگران و هنرمندان قدیمی را دوست به همکاری می‌کنیم، قطعاً به چهره‌های جدید نیز نیاز داریم. ضمن اینکه معتقدم بازیگران باید از احترام زیادی برخوردار باشند. متأسفانه کناره‌گیری برخی بازیگران از بازی‌ها، یکی دل‌شکستی، نگرانی و ناراحتی که برای آنها پیش آمده و دیگر اینکه بعضی از مقامات و برخی از تصمیم‌گیران کاری کردند که آنها نتوانند کار کنند. هر دو این موارد به گمان من اشتباه است؛ چه خود بازیگر یا هنرمند تصمیم گرفته کار نکند و چه اینکه جماعتی به هر دلیلی فکر می‌کنند خانم یا آقای بازیگری حق ندارد کار کند که در این مورد بیشتر خانم‌ها چوب این تصمیمات را می‌خورند».

تهیه‌کننده فیلم سینمایی «قرمز» ادامه داد: «به گمانم نیاز داریم از سرمایه‌های کشورمان و سرمایه‌های سینمای ایران استفاده کنیم و بالطبع جوان‌ها در کنار آنها قرار می‌گیرند تا بتوانند از تجربه‌هایشان استفاده کنند. طبیعتاً وقتی بازیگر یا هنرمندی از سینما به هر دلیلی قهر می‌شود یا قهرش می‌دهند، لطماتش به سینمای ایران وارد می‌شود».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش، درباره شرایط تولید در سینمای ایران گفت: «اگر فیلم خوبی ساخته شود، طبیعتاً تماشاچی خودش را دارد. نمونه‌اش کارهای نولان است. نشان می‌دهد سینمای پیچیده او، تماشاچی هم دارد. در سینمای ایران نیز همین‌طور است. اگر فیلم خوبی ساخته شود، تماشاچی خودش را دارد و این در تمام دنیا ثابت شده است. سینمای ما نیز چیزی جدا از سینمای جهان نیست. وقتی از چهره‌ها در سینما استفاده می‌شود، جذب مخاطب هم داریم. در بسیاری از موارد حضور بازیگران سرشناس از آثار کارگردان‌هایی که هنوز چهره نشده‌اند، به معرفی بهتر آثار کمک می‌کند و برعکس». او درباره تفاوت این دوره زمانی با دهه ۶۰ به جهت میزان حضور بازیگران در سینما گفت: «دهه کنونی با دهه ۶۰ تفاوت‌هایی اساسی دارد. زمانی در تلویزیون دو کانال داشتیم، الان علاوه بر ۵۰ کانال که جمهوری اسلامی دارد، چیزی حدود صد کانال ماهواره‌ای داریم و در کنار آن شبکه نمایش خانگی را هم اضافه کنید. بنابراین مخاطبان امکان انتخاب بین‌نهایت‌ها را پیدا کرده‌اند و همین موضوع باعث معرفی چهره‌های جدید می‌شود». او ادامه داد: «به گمان من، نسل جدید اغلب از هوش و استعداد خوبی برخوردارند و این استعدادهای می‌توانند در آینده سینما

«شرق» نقش بازیگران در گیشه و آینده سینمای ایران را بررسی می‌کند

# سینمای ایران بدون ستاره‌ها؟



حکم‌حسین قلیخان، پادشاهعسکریان ایران

در واقعیت جامعه وجود دارد. زمانی که همواره در سینما با محدودیت‌هایی بسیار بیشتر از مردان روبه‌رو بوده و هستند». او در بخشی از صحبت‌هایش به تفاوت این‌ دوره از سینمای ایران با گذشته اشاره کرد و گفت: «در دهه ۶۰ بازیگران بسیار خوبی به سینمای ایران وارد شدند، اما دلیل استقبال مردم از آن فیلم‌ها لزوماً بازیگران جدید نبود و اگر اجازه حضور بازیگران معروف قبل از انقلاب هم داده می‌شد، فیلم‌های دهه ۶۰ به مراتب بیشتر از این هم می‌فروختند. اگر بخوایم با عبارت معروف «تعهد و تخصص» در دهه ۶۰ صحبت کنم، باید بگویم در دهه ۶۰ علی‌رغم فضای انقلابی و ایدئولوژیک آن زمان و اولویت‌داشتن تعهد بر تخصص، سینما موموا و به‌آچار در دست سینماگران متخصص بود و برای همین هم سینمای دهه ۶۰ در اوج شعرهای انقلابی و شرایط جنگی، صاحب فیلم‌های درخشانی شد که در سینمای دهه‌های بعد تکرار نشدند. فیلم «دونده» امیر نادری و «خانه دوست کجاست» عباس کیارستمی آغاز ورود مستمر و درخشان سینمای ایران به عرصه جهانی بود. فیلم «باشو غریبه کوچک» بهرام بیضایی از بهترین فیلم‌های هنری و جنگی تاریخ سینمای ایران است. فیلم «اجاره‌نشین‌ها» از داریوش مهرجویی پر فروش‌ترین کمدی دهه ۶۰ است و فیلم «هامون» او و «ناخدا خورشید» ناصر تقوایی و «دندان مار» مسعود کیمیایی نیز از ماندگارترین فیلم‌های هنری سینمای ایران هستند. به این فهرست فیلم‌های تجاری همچون «عقاب‌ها» ساموئل خاچیکیان و چندین فیلم دیگر را هم باید اضافه کرد. در دهه ۶۰ علی‌رغم ممنوع‌الکاری بسیاری از بازیگران و سینماگران قبل از انقلاب و افزایش سانسور و توقیف در سینما، سینماگران خاصی هم وارد عرصه سینما شدند که سه مدل همیشگی سینمای بعد از انقلاب شامل سینمای تجاری، سینمای هنری/مستقل و سینمای سفارشی (دولتی-ارگانی) را ادامه دادند و در آن دهه همه در کنار هم کار می‌کردند و هرکدام سهمی هرچند نابرابر در ارکان سینماها داشتند. ولی حال پس از گذشتت چهار دهه، این سه نوع سینما شرایط عجیبی دارند. سینمای هنری و مستقل که ناامید از ارکان، دیگر اهمیتی به گرفتن مجوز نمی‌دهد و فیلم‌های زیرزمینی و جشنواره‌ای را می‌سازد که قسمت مهمی از سینمای ایران هستند و متأسفانه چند سینماگر مدیریست، فیلم‌های زیرزمینی را تهدید می‌برای سینمای ایران می‌دانند؛ در صورتی که این فیلم‌ها ضمن به دست آوردن افتخارات بین‌المللی، فرصتی برای ادامه حیات سینمای واقعی است. سینمای تجاری نیز فقط اسیر یک گونه کمدی شده که آن هم دیگر اقبالی نزد همه مردم ندارد که شامل ده‌ها میلیون تماشاگر بالقوه سینما هستند. در این میان، فقط اوضاع سینمای سفارشی ارگانی و طبقه که این فیلم‌ها نیز مورد استقبال مردم قرار نمی‌گیرند.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش، درباره نسل جدید بازیگران سینما گفت: «بازیگران خوبی در نسل جدید وجود دارند که این‌چند خوبی دارند. با این حال، آنها زمانی می‌توانند بهتر بدرخشند که در کنار بازیگران نسل‌های قبلی سینما باشند. ولی متأسفانه بسیاری از آنها سینما را کنار گذاشتند. طبعاً تا وقتی شرایط سینمای ایران عوض نشود، نمی‌توانیم این موارد به گمان من اشتباه است».

### آگهی

بدینوسیله از صاحبان سهام و نمایندگان قانونی آنها در شرکت توانمند سازان اتس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۰۱۵۷۱ و شناسه ملی ۰۲۴۱۲-۵۹۰۱ ادعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی عادی سلالانه (توبت اول) که در روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۰۰ صبح در محل قسم خیابان ۱۹ دی (باجک) ۲مقابل کوچه ۵۲ پلاک ۶۹۷برگزرا می‌گردد حضور یابند. ضمناً سهامداران محترم جهت رویت صورت‌های مالی، ترازنامه، صورت سود و زیان و نیز داوطلبین سمت بازرس جهت ثبت نام و تکمیل مدارک و تنظیم فرم مربوطه تا ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به دفتر شرکت مراجعه نمایند. حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحبان سهام به شرط تسلیم مدرک وکالتنامه یا نمایندگی مورد تأیید شرکت، در مجمع عمومی بلا مانع است.

- ۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس
- ۲- طرح و تصویب ترازنامه و صورتهای مالی سال ۱۴۰۴
- ۳- طرح و تصمیم در باره سود و زیان سال ۱۴۰۴ و بخشی از سود انباشته و توزیع نشده سنوات قبل
- ۴- طرح و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۵
- ۵- تعیین حق الزحمه بازرس، حق الجلسات و پیدایش هیئت مدیره و حق الزحمه اعضای موظف و غیر موظف هیئت مدیره که جهت فعالیت های خارج از اوقات جلسات مدارک و رسمی در اختیار شرکت قرار می گیرند.
- ۶- درخواست تفویض اختیار را جمع به هیئت مدیره در خصوص انجام معاملات؛ عقود؛ قراردادهای اقتصادی و نقل و انتقال سهام.
- ۷-انتخاب بازرس (اصلی و علی البدل)

**رئیس هیئت مدیره – محمدرضا هندیانی**

### نگاه

با حضور بازیگران دارای نیازهای ویژه؛ «بره سیاه» در کاخ هنرروی

صحنه‌می‌رود

نمایش «بره سیاه» به کارگردانی جواد فراهانی و با حضور بازیگران دارای نیازهای ویژه، به‌مدت پنج روز در دومین دوره رویوداد هورباکس در کاخ هنر اجرا می‌شود. نمایش «بره سیاه» به کارگردانی جواد فراهانی و نویسندگی مشترک جواد فراهانی و نیما آقاخانی، از ۲۲ تیرماه در دومین دوره رویوداد هورباکس روی صحنه می‌رود. این اثر با حضور کودکان و نوجوانان دارای نیازهای ویژه، ازجمله افراد مبتلا به اتیسم، سندروم داون، سی‌پی و سایر شرایط خاص تولید شده است. «بره سیاه» جدیدترین تجربه جواد فراهانی در حوزه تئاتر افراد دارای نیازهای ویژه است و تلاش دارد ظرفیت‌های هنری این گروه از هنرمندان را در قالب یک اثر نمایشی به مخاطبان معرفی کند. نادر صادقی، نیما آقاخانی، محمدرضا دانشی، پویا غبرگری، مهدی سلیمان، نرگس علیزاده، تینا حاجی نصرالله، نازنین اسعدی، امیرحسین سلیمانیان، ثمن گل‌محمدی، محمد جهانبکیری، یگانه حسینی و مهدیار خسروچردی در آن به ایفای نقش می‌پردازند. فرناز علیزاده دستیار کارگردان، فرید تکلو و مهلا احمدی گروه کارگردانی، فرشید قدرتی آهنگ‌ساز، فرناز علیزاده طراح و سازنده آکسوسور، برند لباچی مجری لباس، علی آباقری طراح موشن‌گرافیک، محمد ایمان طراح پوستر، رضوان محمودی مدیر صحنه، جواد فراهانی طراح لباس، جواد فراهانی و نیما آقاخانی طراحان صحنه، علی ابر و فرید تکلو عکاسان، نیما آقاخانی اپراتور و علی کیهانی (راوی‌مدیا) مشاور رسانه‌ای و مدیر روابط‌عمومی این اثر هستند. نمایش «بره سیاه» از ۲۲ تا ۲۶ تیرماه ساعت ۲۱ در کاخ هنر میزبان مخاطبان خواهد بود.

### «سقف و کف، دیوار و در» روی

صحنه‌می‌رود

نمایش «سقف و کف، دیوار و در» به نویسندگی فاطمه محمودی و کارگردانی شیوا مسعودی از ۲۵ تیر تا هفتم مرداد در کاخ هنر (پلتفرم) روی صحنه می‌رود. شیوا مسعودی، نویسنده، پژوهشگر، مترجم، کارگردان، مدرس دانشگاه و عضو هیئت‌علمی گروه هنرهاک نمایش پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او از چهره‌های شناخته‌شده تئاتر عروسکی به شمار می‌رود و در کنار فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، آثار متعددی را در حوزه هنرهای نمایشی تألیف، ترجمه و گردآوری کرده است. ازجمله آثار تألیفی او می‌توان به کتاب‌های «کارنامه تلخکان»، «مبانی نظری تئاتر عروسکی»، «مقدمه‌ای بر فانتزی» و مجموعه داستان «از در به آشپزخونه، هال، بالکن و اتاق» اشاره کرد. همچنین کتاب‌های «کارگردانی نمایش عروسکی قدم به قدم و پنج نمایش‌نامه عروسکی همراه» و «کارکرد آموزشی نمایش عروسکی و نمایش خلاق» از دیگر آثار منتشرشده او هستند. مسعودی همچنین کتاب‌های «دراماتوزی دلگت» نوشته هرخان ژنه، «زیان عروسک» نوشته لورنس کومینز و مارک لونسون و «بی‌شوخی (دلگت): قهرمان تئاتر قرن بیستم» نوشته دونالد کم‌منس را به فارسی ترجمه کرده است. مجموعه «نمایش‌نامه‌های عروسکی معاصر ایران» نیز با گردآوری و کوشش او منتشر شده است. نمایش «سقف و کف، دیوار و در» به نویسندگی فاطمه محمودی از ۲۵ تیرماه تا هفتم مرداد در کاخ هنر (پلتفرم) اجرا می‌شود و هر روز در دو سانس ۱۹ و ۲۱ میزبان مخاطبان خواهد بود. در این نمایش بهرام بهبهانی، آزاده مویدی‌فرد، سنیا رستگاری، مصطفی فاضلی، مانده کاظمی و نهال کردی ایفای نقش می‌کنند.

مدرک فارغ التحصیلی اینچاپ **امید غلامی** فرزند مسعود

به شماره شناسنامه ۰۳۱۰۶۶۱۹۷، صادره از کرج مقطع کارشناسی پیوسته

رشته مهندسی مکانیک صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۰۵۱۹۹۱۱۵۰۱۴۹۴۱۱۵

مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضای می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه

آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی: کرج\_ انتهای رجایی شهر\_ تقاطع بلوار مودن و استقلال - صندوق پستی\_ ۳۱۳۰۳۸۵۰۳۱۴۸۵ ارسال نماید.

**برگ سبز و کارت خودرو پراید مشکی روغنی مدل ۱۳۸۳**

به شماره پلاک ۱۷۷ایران ۳۳۰۴۹۴

شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۲۵۲۷۱۵

و شماره موتور ۰۰۷۱۸۲۵۹

به نام **اسماعیل غواص قصابسرائی**

با کد ملی ۰۰۳۶۸۹۳۵۶۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.